**فهرست مطالب**

[خطبه اول 2](#_Toc426183218)

[نگاهی به خطبه فدکیّه حضرت زهرا (س) 2](#_Toc426183219)

[سخنان فاطمه (س) در مسجد مدینه 3](#_Toc426183220)

[خطبه دوم 7](#_Toc426183221)

[قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران 8](#_Toc426183222)

[اصل چهارم: 8](#_Toc426183223)

[اصل پنجم 8](#_Toc426183224)

[اصل ششم 9](#_Toc426183225)

[اصل هفتم 9](#_Toc426183226)

[اصل هشتم 9](#_Toc426183227)

[گوشه‌هایی از صفات و اختیارات رهبری 10](#_Toc426183228)

[در اصل 109 قانون اساسی: شرایط و صفات رهبر: 10](#_Toc426183229)

[وظایف و اختیارات رهبر 11](#_Toc426183230)

[در اصل 110 قانون اساسی، وظایف و اختیارات رهبر چنین آمده است: 11](#_Toc426183231)

[دعا: 12](#_Toc426183232)

# خطبه اول

**اعوذبالله سمیع علیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ[[1]](#footnote-1) عباد اللّه اوصیکم و نفسی بتقوی اللّه و ملازمة امره و مجانبة نهیه تجهّزوا عباد الله وقد نودی فیکم بالرّحیل و تزوّدوا فانّ خیر الزاد التقوی.**

# نگاهی به خطبه فدکیّه حضرت زهرا (س)

بعد از رسول خدا دست‌های نفاق و کینه‌های گذشته جاهلی، همراه هم شدند و در مسیر ولایت و رسالت رسول خدا (ص) خلل‌های جدّی پدید آوردند. در اثر توطئه‌ها و کینه‌های معاندان اسلام و خط راستین رسول خدا (ص)، علی بن ابی‌طالب (ع) و صدّیقة الطاهرة که نقطه محوری و مرکز تداوم رسالت خدا بودند، از جریان‌های اجتماعی دور نگه‌داشته و از زمامداری جامعه برکنار شدند.

فاجعه غم‌انگیز شهادت تنها یادگار رسول خدا (ص)، دختر ایشان، در تاریخ اسلام به وقوع پیوست. پس از غصب خلافت و فدک به‌عنوان رمز وفاداری به رسول خدا (ص)، فاطمه زهرا (س) از معدود مدافعان امامت و ولایت بود. خطبه فدکیّه از یادگارهای فاطمه زهرا (س) است. این خطبه دارای مضامین بسیار کم‌نظیر است.

درزمانی که همه از علی (ع) روی برگردانده و به مسیر تداوم رسالت و بقای امامت، پشت کرده بودند و بی‌وفایی‌ها در کنار کینه‌های جاهلیت رخ نموده و خاندان پیامبر تنها بودند، فاطمه زهرا (س) به‌تنهایی در انبوه مردم مدینه، در مسجد پیامبر (ص) قد علم کرد و این خطابه پرشور را القاء کرد.

فاطمه (س) با یک هیبت، شکوه و جلال معنوی وارد مسجد پدرش شد، درحالی‌که مسجد پر از جمعیت و قدرت به دست معاندان ولایت و امامت بود. کم‌تر کسی جرأت همراهی و حمایت از علی (ع) و زهرا (س) را داشت. سپس لحظه‌ای سکوت کرد تا همهمه مردم خاموش و گریه آنان ساکت شد و جوش‌وخروش ایشان آرام یافت، آنگاه کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز فرمود و درود بر رسول خدا فرستاد، در اینجا دوباره صدای گریه مردم برخاست، وقتی سکوت برقرار شد، کلام خویش را دنبال کرد و فرمود:

حمد و سپاس خدای را بر آنچه ارزانی داشت، و شکر او را در آنچه الهام فرمود، و ثنا و شکر بر او بر آنچه پیش فرستاد، از نعمت‌های فراوانی که خلق فرمود و عطایای گسترده‌ای که اعطا کرد، و منّت‌های بی‌شماری که ارزانی داشت، که شمارش از شمردن آن‌ها عاجز، و نهایت آن از پاداش فراتر، و دامنه آن تا ابد از ادراک دورتر است، و مردمان را فراخواند، تا با شکرگزاری آن‌ها نعمت‌ها را زیاده گرداند، و با گستردگی آن‌ها مردم را به سپاسگزاری خود متوجّه ساخت، و با دعوت نمودن به این نعمت‌ها آن‌ها را دوچندان کرد.

# سخنان فاطمه (س) در مسجد مدینه

**(اَلْحَمْدُلِلَّهِ عَلی ما اَنْعَمَ، وَ لَهُ الشُّکرُ عَلی ما اَلْهَمَ[[2]](#footnote-2))** حمد برای خداست در برابر نعمت‌های بی‌کران او و سپاس، شکر خدا را که آن‌همه به ما نعمت داده است و فزونی بخشیده است. ثناها و ستایش‌ها به خاطر نعم فراوانی که خداوند بر انسان‌ها ارزانی داشته است، تقدیم خدا کرد.

با بهترین عبارت‌ها و شیواترین بیان‌های ادیبانه، فاطمه زهرا (س)، عرض سپاس و حمد در محضر خداوند تقدیم داشت. و پس از حمد و سپاس بی‌کران خدا، شهادت به رسالت پدر بزرگوارش داد. **(وَ اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَریک لَهُ)** این شهادت به وحدانیت خدا را دنبال حمد قرار داد و صفت‌هایی را برای این شهادت ذکر کرد.

کلمه توحید و وحدانیت خدا، برای بشر اخلاص می‌آورد و در اوصاف خداوند، حکمت‌های بزرگی را بیان کرد و بعد فرمود: **(وَ اَشْهَدُ اَنَّ اَبی‌مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ)** خداوند پدر مرا به‌عنوان رسول خود گزینش کرد. در میان مردم او را برگزید به‌عنوان رسالت خود، قبل از اینکه او را مبعوث کند و خلائق را بیافریند و عالمی برپا شود، خداوند او را به‌عنوان رسول و پیام‌آور خودش برگزید. در زمانی او را به‌عنوان پیامبر مبعوث کرد که مردمان در جهل و تاریکی قرار داشتند، جمعیت‌ها در اختلافات غوطه‌ور بودند. بت‌پرستی، توسل به‌غیراز خدا سنّت حاکم بر جوامع جاهلی بود. با این رسالت او، فرهنگ اسلام پایه‌ریزی شد. خداوند بعد از دشواری رسالت، رسول خودش را از سختی‌های عالم نجات داد.

تا هنگامی‌که خداوند او را به‌سوی خود فراخواند، فراخواندنی از روی مهربانی و آزادی و رغبت و میل، پس آن حضرت از رنج این دنیا در آسایش بوده، و فرشتگان نیکوکار در گرداگرد او قرار داشته، و خشنودی پروردگار آمرزنده او را فراگرفته، و در جوار رحمت او قرار دارد، پس درود خدا بر پدرم، پیامبر و امینش و بهترین خلق و برگزیده‌اش باد، و سلام و رحمت و برکات الهی بر او باد.

آنگاه حضرت فاطمه علیهماالسلام رو به مردم کرده و فرمود:

شما ای بندگان خدا پرچم‌داران امرونهی و حاملان دین و وحی او، و امین‌های خدا بر یکدیگر، و مبلّغان او به‌سوی امّت‌هایید، زمامدار حق در میان شما بوده، و پیمانی است که از پیشاپیش به‌سوی تو فرستاده، و باقیمانده‌ای است که برای شما باقی گذارده، و آن کتاب گویای الهی و قرآن راست‌گو و نور فروزان و شعاع درخشان است، که بیان و حجّت‌های آن روشن، اسرار باطنی آن آشکار، ظواهر آن جلوه‌گر هست، پیروان آن مورد غبطه جهانیان بوده، و تبعیت از او خشنودی الهی را باعث می‌گردد، و شنیدن آن راه نجات است. به‌وسیله آن می‌توان به حجّت‌های نورانی الهی، و واجباتی که تفسیر شده، و محرّماتی که از ارتکاب آن منع گردیده، و نیز به گواهی‌های جلوه‌گرش و برهان‌های کافی‌اش و فضائل پسندیده‌اش، و رخصت‌های بخشیده شده‌اش و قوانین واجبش دست‌یافت.

پس خدای بزرگ ایمان را برای پاک کردن شما از شرک، و نماز را برای پاک نمودن شما از تکبّر، و زکات را برای تزکیه نفس و افزایش روزی، و روزه را برای تثبیت اخلاص، و حج را برای استحکام دین، و عدالت ورزی را برای التیام قلب‌ها، و اطاعت ما خاندان را برای نظم یافتن ملت‌ها، و امامتمان را برای رهایی از تفرقه، و جهاد را برای عزت اسلام، و صبر را برای کمک در به دست آوردن پاداش قرار داد.

امربه‌معروف را برای مصلحت جامعه، و نیکی به پدر و مادر را برای رهایی از غضب الهی، و صله ارحام را برای طولانی شدن عمر و افزایش جمعیت، و قصاص را وسیله حفظ خون‌ها، و وفای به نذر را برای در معرض مغفرت الهی قرار گرفتن، و دقت در کیل و وزن را برای رفع کم‌فروشی مقرر فرمود. و نهی از شراب‌خواری را برای پاکیزگی از زشتی، و حرمت نسبت ناروا دادن را برای عدم دوری از رحمت الهی، و ترک دزدی را برای پاک‌دامنی قرار داد، و شرک را حرام کرد تا در یگانه‌پرستی خالص شوند.

پس آن‌گونه که شایسته است از خدا بترسید، و از دنیا نروید جز آنکه مسلمان باشید، و خدا را در آنچه بدان امر کرده و از آن بازداشته اطاعت نمایید، همانا که فقط دانشمندان از خاک می‌ترسند.

آنگاه فرمود:

ای مردم! بدانید که من فاطمه و پدرم محمد است، آنچه ابتدا گویم در پایان نیز می‌گویم، گفتارم غلط نبوده و ظلمی در آن نیست، پیامبری از میان شما برانگیخته شد که رنج‌های شما بر او گران آمده و دلسوز بر شما است، و بر مؤمنان مهربان و عطوف است.  
پس اگر او را بشناسید می‌دانید که او در میان زنانتان پدر من بوده، و در میان مردانتان برادر پسرعموی من است، چه نیکو بزرگواری است آنکه من این نسبت را به او دارم.

رسالت خود را با انذار انجام داد، از پرتگاه مشرکان کناره‌گیری کرده، شمشیر بر فرقشان نواخت، گلویشان را گرفته و با حکمت و پند و اندرز نیکو به‌سوی پروردگارشان دعوت نمود، بت‌ها را نابود ساخته، و سر کینه‌توزان را می‌شکند، تا جمعشان از بین برود و از میدان گریختند.

آنگاه‌که خداوند برای پیامبرش خانه انبیاء و آرامگاه اصفیاء را برگزید، علائم نفاق در شما ظاهر گشت، و جامه دین کهنه، و سکوت گمراهان شکسته، و پست رتبگان با قدر و منزلت گردیده، و شتر نازپرورده اهل باطل به صدا درآمد، و در خانه‌هایتان بیامد، و شیطان سر خویش را از مخفیگاه خود بیرون آورد، و شما را فراخواند، مشاهده کرد پاسخگوی دعوت او هستید، و برای فریب خوردن آماده‌اید، آنگاه از شما خواست که قیام کنید، و مشاهده کرد که به‌آسانی این کار را انجام می‌دهید، شما را به غضب واداشت، و دید غضبناک هستید، پس بر شتران دیگران نشان زدید، و بر آبی که سهم شما نبود وارد شدید.

این در حالی بود که زمانی نگذشته بود، و موضع شکاف زخم هنوز وسیع بود، و جراحت التیام نیافته، و پیامبر به قبر سپرده نشده بود، بهانه آوردید که از فتنه می‌هراسید، آگاه باشید که در فتنه قرارگرفته‌اید، و به‌راستی جهنم کافران را احاطه نموده است.

**فَهَیْهاتَ مِنْکُمْ، وَ کَیْفَ بِکُمْ، وَ اَنَّى تُؤْفَکُونَ، وَ کِتابُ اللَّهِ بَیْنَ اَظْهُرِکُمْ، اُمُورُهُ ظاهِرَةٌ، وَ اَحْکامُهُ زاهِرَةٌ، وَ اَعْلامُهُ باهِرَةٌ، و زَواجِرُهُ لائِحَةٌ، وَ اَوامِرُهُ واضِحَةٌ، وَ قَدْ خَلَّفْتُمُوهُ وَراءَ ظُهُورِکُمْ، أَرَغْبَةً عَنْهُ تُریدُونَ؟ اَمْ بِغَیْرِهِ تَحْکُمُونَ؟ بِئْسَ لِلظَّالمینَ بَدَلاً، وَ مَنْ یَبْتَغِ غَیْرَ الْاِسْلامِ دیناً فَلَنْ یُقْبَلَ مِنْهُ، وَ هُوَ فِی الْاخِرَةِ مِنَ الْخاسِرینِ.**

چطور این کار را کردید، به کجا روی می‌آوردید، درحالی‌که کتاب خدا رویاروی شماست، امورش روشن، و احکامش درخشان، و علائم هدایتش ظاهر، و محرّماتش هویدا، و اوامرش واضح است، ولی آن را پشت سر انداختید، آیا بی‌رغبتی به آن را خواهانید؟ یا به غیر قرآن حکم می‌کنید؟ که این برای ظالمان بدل بدی است، و هرکس غیر از اسلام دینی را جویا باشد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

بار دیگر چشمانش را به‌سوی انصار انداخت: ای پسران قبیله- گروه انصار- آیا نسبت به میراث پدرم مورد ظلم واقع شوم درحالی‌که مرا می‌بینید و سخن مرا می‌شنوید، و دارای انجمن و اجتماعید، صدای دعوت مرا همگان شنیده و از حالم آگاهی دارید، ولی جواب نمی‌دهید، و ناله فریاد خواهیم را شنیده ولی به فریادم نمی‌رسید. وای بر گروهی که بعد از پیمان بستن آن را شکستند، و خواستند پیامبر را اخراج کنند، باآنکه آنان جنگ را آغاز نمودند، آیا از آنان هراس دارد درحالی‌که خدا سزاوار است که از او بهراسید، اگر مؤمنید.

و دوباره می‌گوید: **اَلا، وَ قَدْ أَری اَنْ قَدْ اَخْلَدْتُمْ اِلَی الْخَفْضِ، وَ اَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ اَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ**. آگاه باشید می‌بینم که به تن‌آسائی جاودانه دل داده، و کسی را که سزاوار زمامداری بود را دور ساخته‌اید. با راحت‌طلبی خلوت کرده، و از تنگنای زندگی به فراخنای آن رسیده‌اید، در اثر آن آنچه را حفظ کرده بودید را از دهان بیرون ریختید، و آنچه را فروبرده بودید را بازگرداندند، پس بدانید اگر شما و هرکه در زمین است کافر شوید، خدای بزرگ از همگان بی‌نیاز و ستوده است. می‌دانم کینه‌های جاهلی و عداوت‌های شیطانی بود که علی (ع) را خانه‌نشین کرد.

اما مردم به این دعوت‌ها، منشور آزادی و سعادت خودشان پاسخ ندادند و در برابر حقّی به این روشنی، چشم‌پوشی کردند و نتیجه همان شد که به فاصله روزهای دیگر فاطمه (س) با وضع بسیار رقت‌آوری به شهادت رسید.

روزی فاطمه در وقت مریضی رسول خدا (ص) گریست. پیامبر (ص) فرمود: فاطمه (س) جان داستان چیست؟ فرمود: من وحشت دارم که چگونه می‌توانم از فراق شما در دنیا زندگی کنم. رسول خدا فرمود: دخترم، تو بعد از من، زیاد باقی نخواهی ماند. تو اولین کسی خواهی بود که به من ملحق خواهی شد.

فاطمه (س) با این مجاهدت به‌عنوان یک زن قهرمان در برابر غصب خلافت، ولایت و انحراف اجتماعی ایستاد، و خود را آماده جان دادن در این راه کرده بود.

از فاطمه جز استخوانی باقی نمانده بود، سپاه غم و اندوه، ظلم و جنایتی که به‌سوی فاطمه (س) هجوم آورده بود، از ایشان یک‌مشت استخوان باقی گذاشته بود. ایشان در حال طبیعی هم اگر بود، به‌زودی جان می‌داد برای اینکه فوق‌العاده لاغر و مریض شده بود.

# خطبه دوم

**اعوذ بالله سمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکّل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ من شرور انفسنا و سیّئات اعمالنا و نصلّی و نسلّم سیّدنا و نبیّنا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا ابی القاسم محمد (ص) و علی آله الاطیبین اطهرین لاسیّما بقیّة الله فی الارضین و صلّی علی سیّدنا و مولانا و امامنا امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) صلّی علی صدّیقة الطاهره فاطمة الزهرا (س) و علی الحسن والحسین سیّدی شباب اهل الجنّة و علی ائمّة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد والحسن بن علی والخلفة القائم المنتظر (عج) حججک علی عبادک و امنائک فی بلادک ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالة النبیّین و صفّوة المرسلین و عترة خیرة ربّ العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

**اعوذ بالله سمیع العلیمن من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم** **یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ[[3]](#footnote-3) عباد الله اوصیکم و نفسی بتقوی اللّه و ملازمة امره و مجانبة نهیه و تجهّزوا عبادالله فقد نودی فیکم بالرّحیل و تزوّدوا انّ خیر الزاد التقوی.**

# قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع‌الشرایط را که از طرف مردم به‌عنوان رهبر شناخته می‌شود، آماده کرده است تا ضامن عدم انحراف سازمان‌های متخلف از وظایف خود باشد.

در نظام ایران، ارکان اصلی با رأی مردم شکل می‌گیرد، اسلامیّت نظام ما نیز به حاکمیّت قوانین اسلام و فقیه عادل است. از دیدگاه شیعه و منطق شیعه، وقتی حاکمیتی مشروعیت دارد که مورد تأیید فقیهی عادل با شرایط مخصوص به خود باشد. در فصل اول قانون اساسی، 14 اصل آمده است که مبنای سیاسی و حاکمیت ملی در آن تعیین‌شده است.

اصل چهارم: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

اصل پنجم: در زمان غیبت حضرت ولی‌عصر، عجل الله تعالی فرجه، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است، که اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند و درصورتی‌که هیچ فقیهی دارای چنین اکثریتی نباشد رهبر یا شورای رهبری مرکب از فقهای واجد شرایط بالا طبق اصل یک‌صد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

اصل ششم**:** در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکا آراء عمومی اداره شود از راه انتخابات: انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این‌ها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

اصل هفتم**:** طبق دستور قرآن کریم: " **وَأَمْرُهُمْ شُورَی بَینَهُمْ**[[4]](#footnote-4)‌" و "**وَشَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ[[5]](#footnote-5)**" شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر این‌ها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.

اصل هشتم**:** در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امربه‌معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. " **وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ یأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَینْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکرِ**[[6]](#footnote-6)".

خبرگان رهبری درباره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یک‌صد و نهم بررسی و مشورت می‌کنند. هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یک‌صد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به‌عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت....».

**هم‌چنین در مقدمه قانون اساسی آمده است:** «ولایت‌فقیه عادل، بر اساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع‌الشرایطی را که از طرف مردم به‌عنوان رهبر شناخته می‌شود (**مجارِی الأُمُورِ بِیدِ الْعُلَماءِ بِاللَّهِ الأُمَناءِ عَلی حَلالِهِ وَ حِرامِهِ**)[[7]](#footnote-7) آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشد».

# گوشه‌هایی از صفات و اختیارات رهبری

## در اصل 109 قانون اساسی: شرایط و صفات رهبر:

**1.** صلاحیت علمی لازم برای فتوا در ابواب مختلف فقه.

2. عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام.

3. بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری.

در صورت تعدد واجدین شرایط فوق شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد، مقدم است».

# وظایف و اختیارات رهبر

## در اصل 110 قانون اساسی، وظایف و اختیارات رهبر چنین آمده است:

 1. تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام.

2. نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام و ...»

شرایط امروز کشور ایران اقتضا می‌کند که مردم با آگاهی و هوشیاری در خبرگان وارد شویم. آراء وسیع مردم در انتخابات خبرگان، در محدوده کسانی که شورای نگهبان آن‌ها را تصویب می‌کند. کسانی که مورد تأیید شورای نگهبان قرار می‌گیرند، مثل انتخابات ریاست جمهوری، مردم در آن محدوده آزاد هستند، البته ممکن است سلیقه‌ها مختلف باشد و مردمی که در نماز جمعه شرکت می‌کنند، آراء متفاوتی در ریاست جمهوری یا در مجلس خبرگان داشته باشند و این هیچ مانعی ندارد. در چارچوب تأیید شورای نگهبان و ضوابط کلی که بر اساس قانون اساسی شکل می‌گیرد، حق انتخاب و آزادی برای مردم است. و بعد از گذر تأیید شورای نگهبان در هر انتخاباتی (مجلس، ریاست جمهوری و خبرگان) مردم حق انتخاب دارند و نباید جایی برای نزاع و کینه باشد.

مردم باید تن به قانون نظام بدهند و آنچه شورای نگهبان تأیید می‌کند، موردتوافق کلی باشد و بعد جای اختلاف‌سلیقه و بحث آراء باقی باشد، هیچ مانعی ندارد.

**نکته:** باید مردم آشنا به مصالح کلی کشور باشند، و حضور درصحنه انتخابات را به‌عنوان یک امر سرنوشت‌ساز بدانند.

# دعا:

خدایا ما را از بندگان خالص خودت قرار بده. این ملت را از همه آفات و آسیب‌های مادی و معنوی مصون و محفوظ بدار. راه پرفروغ شهیدان دفاع مقدّس و آرمان والای شهدا و امام را در میان ما همواره زنده و محفوظ بدار. و....

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ یلِدْ وَلَمْ یولَدْ وَلَمْ یکنْ لَهُ کفُوًا أَحَدٌ[[8]](#footnote-8)**

1. . آل عمران 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوارالجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت)، 111جلد، ص221، [↑](#footnote-ref-2)
3. . حشر آیه 18. [↑](#footnote-ref-3)
4. . شوری آیه 38. [↑](#footnote-ref-4)
5. . آل عمران آیه 159. [↑](#footnote-ref-5)
6. . توبه آیه 71. [↑](#footnote-ref-6)
7. . [کتاب المکاسب، شیخ مرتضی انصاری، ج3، ص551.](http://lib.eshia.ir/10141/3/551/%D9%88%D8%B1%D8%AB%D8%A9) [↑](#footnote-ref-7)
8. . الاخلاص [↑](#footnote-ref-8)